

تأثیر درآمدهای نفتی بر میزان حاشیه‌نشینی در اطراف تهران با رویکرد رفاه اجتماعی

نسرين ساکی^۱، حسين دهقان^۲، فیض‌الله نوروزی^۳

doi 10.71547/urb.2025.1195086

چکیده

بررسی تأثیرات این درآمدها بر سطح رفاه اجتماعی و پیامدهایی که این تأثیرات به همراه دارد بسیار مهم است. یکی از این پیامدها افزایش مناطق حاشیه‌ای اطراف شهرها و افزایش جمعیت آنها است که در نتیجه کاهش سطح رفاه اجتماعی و افزایش نابرابری شکل می‌گیرند. پژوهش حاضر به این موضوع پرداخته است. در پژوهش حاضر از شیوه پژوهش کمی (آماري) استفاده شد. داده‌های آماری مهر و موم‌های ۱۳۸۰ تا ۱۴۰۰ (از مجموعه آمارهای مربوط به بانک مرکزی، آمار سازمان برنامه و بودجه و سالنامه‌های آماری) و واحد تحلیل در این تحقیق سال‌های آماری می‌باشند. با رویکرد همبستگی رابطه میان درآمدهای نفتی و میزان رفاه اجتماعی بررسی و سپس تأثیر رفاه اجتماعی بر افزایش یا کاهش جمعیت دو منطقه حاشیه‌نشین مرتضی‌گرد و قیام‌دشت در اطراف تهران نشان داده شد. برای اندازه‌گیری میزان رفاه اجتماعی نیز از تقسیم متوسط درآمد سالانه بر متوسط هزینه‌های همان سال استفاده شده است. با توجه به یافته‌های تحقیق و نتیجه آزمون فرضیات مشاهده شد که درآمدهای نفتی طی مهر و موم‌های ۱۳۸۰ تا ۱۴۰۰ بر میزان رفاه تأثیر منفی داشته است و ضریب بتا برابر منفی ۰,۴۶۸ است؛ یعنی با افزایش درآمدهای نفتی میزان

^۱ دانشجوی دکتری گروه جامعه‌شناسی، واحد تهران شمال، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران
sakinasrin59@gmail.com

^۲ استادیار گروه جامعه‌شناسی، واحد تهران شمال، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران (نویسنده مسئول).
dehqan.azad@gmail.com

^۳ استادیار گروه جامعه‌شناسی، واحد تهران شمال، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران
faizollah_nouroozi@yahoo.com

رفاه کاهش داشته است. از طرفی رفاه نیز تأثیر منفی و معکوس بر میزان حاشیه‌نشینی در دو منطقه مرتضی‌گرد و قیام‌دشت داشته یعنی با کاهش رفاه میزان جمعیت در این دو منطقه افزایش داشته است. ضریب تأثیر رفاه بر جمعیت مرتضی‌گرد برابر منفی ۰,۱۳۶ و ضریب تأثیر رفاه بر جمعیت قیام‌دشت برابر منفی ۰,۲۰۵ است.

کلیدواژه‌ها: درآمدهای نفتی، رفاه اجتماعی، حاشیه‌نشینی، بیماری هلندی

مقدمه

حاشیه‌نشینی در واقع پدیده‌ای است که پس از انقلاب صنعتی در کشورهای در حال توسعه مانند ایران رواج یافت. نظریات متفاوتی به شناخت زمینه‌ها و دلایل شکل‌گیری این پدیده پرداخته‌اند و صاحب‌نظران متفاوتی مانند رابرت پارک، آندره گوندرو فرانک و مانوئل کاستلز افرادی بودند که مهم‌ترین عامل شکل‌گیری حاشیه‌نشینی را مهاجرت مطرح کردند؛ اما باید در نظر داشت پدیده حاشیه‌نشینی به‌عنوان یک پدیده و معضل، خاص یک کشور نیست؛ بنابراین در تحلیل عوامل شکل‌گیری این پدیده دیدگاه‌های متفاوتی وجود دارد؛ بنابراین نمی‌توان تنها به مقوله مهاجرت به‌عنوان دلیل حاشیه‌نشینی بسنده نمود. هرچند بررسی پدیده مهاجرت و چرایی آن بسیار پیچیده است. اگر پدیده مهاجرت به‌سوی مناطق حاشیه‌ای به‌طور خاص در هر کشوری مورد بررسی قرار گیرد به‌طور حتم دلایل خاصی نیز برای شکل‌گیری آن یافت می‌شود، از این‌رو اجتماعات و مناطق حاشیه‌ای را نباید با رویکردی از بیرون و نگاهی عام که بر حسب معیارهای جهانی است سنجید، بلکه در تحلیل و بررسی چرایی شکل‌گیری این پدیده می‌بایست نوعی نگاه نسبی داشت.

در همه جای دنیا حاشیه‌نشینان دو دسته هستند؛ دسته اول مهاجرانی هستند که از روستاها به شهر می‌آیند و دسته دوم به‌عنوان رانده‌شدگان اجتماعی هستند. این دسته افرادی هستند که پیش از مهاجرت در داخل شهرها زندگی می‌کردند ولی به دلیل ورشکستگی اقتصادی یا دلایل دیگر توان اقتصادی جهت زندگی در شهر را نداشته و به حاشیه مهاجرت کرده‌اند، بنابراین مهاجرت به حاشیه در این مورد نوعی انتخاب عقلانی است؛ یعنی فرد از یک‌سو جهت دسترسی به امتیازات شهری و از سوی دیگر جهت صرف هزینه‌های کمتر برای سکونت، مناطق حاشیه‌ای را انتخاب می‌کند (نقدی و زارع، ۱۳۹۱: ۱۰). رفاه اجتماعی تأثیر بسیار زیادی بر فقر چند بعدی خانوارها دارد. بررسی اثرات رفاه اجتماعی بر فقر خانوارها به‌عنوان یک پدیده اجتماعی در شکل‌گیری حاشیه‌نشینی شدن آن‌ها در اطراف شهرها نقش تعیین‌کننده‌ای دارد. در تحلیل علل حاشیه‌نشینی دیده می‌شود تعدادی از افراد

قبل از ورود به مناطق حاشیه‌ای در مناطق داخل شهرها زندگی می‌کردند اما کاهش رفاه اجتماعی که معمولاً به افزایش فقر و نابرابری اقتصادی منجر شده این افراد را به حاشیه شهرها و مناطق کم برخوردار سوق داده است.

یکی از دلایل عمده مهاجرت ساکنین شهرها به‌سوی مناطق حاشیه‌ای اطراف شهرها پایین آمدن میزان رفاه اجتماعی است. از نگاه تعدادی از اقتصاددانان، بررسی تابع رفاه اجتماعی به سطح درآمد مطلوب هر فرد در جامعه بستگی دارد. از سویی، بروز نابرابری در توزیع درآمدها به‌عنوان عاملی برای کاهش این مطلوبیت خواهد بود (ر.ک. عباسیان و همکاران، ۲۰۱۷).

البته فقر بر همه گروه‌های جامعه تأثیرگذار است، اما به‌طور ویژه بر افرادی که دسترسی کمتری به منابع دارند، تأثیر بیشتری خواهد داشت و این موضوع به هیچ منطقه جغرافیایی، سطح درآمد یا گروه سنی محدود نیست (ر.ک. شیائو^۱ و همکاران، ۲۰۲۲).

از سویی میزان رفاه اجتماعی متغیری است که به‌طور مستقیم تحت تأثیر نوسانات قیمت نفت و درآمدهای نفتی قرار دارد و یکی از دلایل کاهش توان‌پذیری افراد در تأمین هزینه‌های زندگی و در نتیجه کاهش رفاه اجتماعی، افزایش قیمت نفت است.

طبق شواهد تجربی افزایش درآمدهای نفتی می‌تواند فرصت‌هایی را ایجاد کند اما در مقابل تهدید نیز محسوب می‌شوند. لذا در برخی از کشورهای نفتی با افزایش قیمت نفت و درآمدهای نفتی و مصرف آن در بخش‌های مختلف اقتصادی نتایج رفاهی خوبی در زندگی مردم ایجاد نمی‌شود از طرفی عاملی برای نارضایتی آن‌ها می‌باشند (کميجانی و همکاران، ۱۳۸۱: ۲۰۲). ساختار اقتصادی ایران نیز یک ساختار دولتی است که به درآمدهای نفتی وابستگی شدیدی داشته و این وابستگی اثرات ناگواری بر امنیت اقتصادی و درنهایت میزان رفاه مردم خواهد داشت. این وابستگی به درآمدهای نفتی و استفاده از دلارهای نفتی باعث افزایش شدید نقدینگی شده و درنهایت تورم زیادی ایجاد می‌شود.

پس از اولین شوک نفتی در سال ۱۹۷۳، اقتصاد ایران شدیداً به درآمدهای نفتی و گازی وابستگی پیدا کرد. همچنین بر اساس شواهد، اقتصاد ایران طی این مهروموم‌ها تولید ناخالص داخلی پایین و نابرابری درآمدی را تجربه کرده است. از این‌رو شواهد موجود در اقتصاد ایران این فرضیه را ثابت می‌کند که منابع طبیعی و درآمدهای ناشی از آن‌ها به‌جای آنکه سطح رفاه را افزایش و نابرابری را کاهش دهد، موجب کاهش رفاه و افزایش نابرابری

¹ Xiao

شده است (آهنگری و همکاران، ۱۳۹۴)؛ بنابراین با افزایش نابرابری و کاهش قدرت خرید افراد، زمینه افزایش فقر و مهاجرت از داخل شهرها به نواحی اطراف برای کاهش هزینه‌های زندگی فراهم می‌شود.

از مهم‌ترین دلایل حاشیه‌نشینی که در این پژوهش مدنظر قرار می‌گیرد کمبود سرمایه افراد برای زندگی در شهر تهران است. لذا این افراد برای پیدا کردن سرپناهی که در نزدیک‌ترین نقطه به شهر باشد به زمین‌های کم‌ارزش اطراف شهر روی می‌آورند و منازل را با کم‌ترین استانداردها و قواعد شهرسازی می‌سازند. این سرپناه غیراستاندارد را طی زمان‌های بعدی به خانه‌هایی با طبقات بیشتر تبدیل می‌کنند و افرادی با کم‌ترین درآمد و سطح توقع در آن‌ها به زندگی استیجاری تن می‌دهند. در نتیجه اجتماعات غیررسمی و حاشیه‌ای شکل می‌گیرند که البته در درون خود دارای فرهنگ متفاوتی از شهرنشینی خواهند بود.

از آنجایی که مناطق حاشیه‌نشین در اطراف شهرهای مختلف پتانسیل زیادی برای ارتکاب جرائم سنگین دارند و از طرفی این مناطق مانعی جهت توسعه شهری می‌باشند، لذا انجام تحقیقات مختلف برای بررسی چرایی شکل‌گیری این پدیده بسیار ضروری است. مطالعات و پژوهش‌های متعددی نیز در ارتباط با اسکان غیررسمی انجام شده است که این بررسی‌ها از زوایای مختلف صورت گرفته و بیشتر برای یافتن علل شکل‌گیری این پدیده تا مراحل پیش رفته‌اند و گویی رسیدن به علت اصلی شکل‌گیری حاشیه‌نشینی تنها در تعداد بسیار کمی از تحقیقات دیده شده است و بسیاری از این تحقیقات گرچه به‌عنوان بررسی علل شکل‌گیری حاشیه‌نشینی هستند اما گویی بیشتر جنبه توصیف شرایط موجود در یک منطقه حاشیه‌نشین را دارند. این تحقیق کوشش دارد تا تأثیر درآمدهای نفتی بر متغیر رفاه اجتماعی که یکی از متغیرهای زمینه‌ساز شکل‌گیری مناطق حاشیه‌ای است را بررسی نماید.

این تحقیق کوشش دارد تا تأثیر درآمدهای نفتی بر متغیر رفاه اجتماعی که یک متغیر زمینه‌ساز جهت شکل‌گیری پدیده حاشیه‌نشینی است را بررسی نماید؛ بنابراین فرضیه اصلی تحقیق عبارت است از:

به نظر می‌رسد درآمدهای نفتی بر میزان حاشیه‌نشینی تأثیر دارد.

فرضیات فرعی عبارت‌اند از:

۱. به نظر می‌رسد درآمدهای نفتی بر میزان رفاه اجتماعی تأثیر دارد.

۲. به نظر می‌رسد رفاه اجتماعی بر میزان حاشیه‌نشینی تأثیر دارد.

پیشینه پژوهش

پژوهش‌های داخلی

جرجرزاده و اقبالی (۱۳۸۴) در تحقیق خود تحت عنوان «بررسی اثرهای درآمدهای نفتی بر توزیع درآمد در ایران» دریافتند که درآمدهای نفتی باعث نابرابری در توزیع درآمد در کل کشور و فضای شهری می‌شود اما درمورد تأثیر آن در فضای روستایی نمی‌توان اظهار نظر کرد. شاخص به کاررفته جهت توزیع درآمد در مطالعه فوق ضریب جینی بوده است و از الگوی خود توزیع با وقفه‌های خود توزیعی استفاده شده است.

مرادی (۲۰۰۶) در تحقیقی تحت عنوان «فراوانی منابع نفتی، رشد اقتصادی و توزیع درآمد در ایران» به بررسی اثر فراوانی منابع نفتی بر دو متغیر کلان اقتصادی (رشد اقتصادی و نابرابری درآمد) طی مهر و موم‌های ۲۰۰۵-۱۹۶۸ پرداختند. نتایج تحقیق نشان داد تأثیر فراوانی منابع نفتی بر روی تولید ناخالص داخلی در بلندمدت مثبت و معنی‌دار بوده و بر روی توزیع درآمد منفی و معنی‌دار بوده است؛ اما ضریب تأثیر فراوانی منابع نفتی بر تولید ناخالص داخلی دارای ضریب کوچک‌تری است.

ابراهیمی و سالاریان (۱۳۸۸) در تحقیقی تأثیر حضور کشورهای عضو اوپک را بر رشد اقتصادی و رفاه در این کشورها بررسی نمودند و نشان دادند حضور آن‌ها در اپک تأثیر منفی بر رشد اقتصادی در این کشورها دارد. آن‌ها نشان دادند درآمدهای نفتی به‌تنهایی برای رشد اقتصادی مضر نیستند بلکه تأثیر مستقیم آن‌ها بر رشد اقتصادی مثبت است اما وقتی با متغیرهای توضیحی دیگری مانند سرمایه‌گذاری فیزیکی، فساد و رابطه مبادله و آموزش همراه باشد این تأثیر منفی خواهد بود.

مهر آرا و همکاران (۱۳۹۰) در تحقیقی تحت عنوان «آثار درآمدهای نفتی بر رشد اقتصادی ایران مبتنی بر شکست‌های ساختاری درون‌زا» نشان دادند افزایش تدریجی درآمدهای نفتی بر رشد اقتصادی کشورهای صادرکننده نفت تأثیر مثبت دارد اما اگر این درآمدها از حد آستانه‌ای یعنی ۲۰ درصد عبور کند، تأثیر منفی بر رشد اقتصادی خواهد داشت به‌علاوه در کوتاه‌مدت واکنش رشد اقتصادی نسبت به تکانه‌های نفتی نامتقارن است و برای تکانه‌های کاهشی قیمت نفت شدیدتر است.

پیلوار و همکاران (۱۳۹۱) در تحقیقی تحت عنوان «بررسی رابطه وضعیت رفاه اجتماعی ایران با درآمدهای نفتی طی مهر و موم‌های ۱۳۸۶-۱۳۴۷» نشان دادند که هر چه

میانگین درآمد در تابع رفاه سن وزن بیشتری داشته باشد تأثیر درآمد ملی بر رفاه کمتر خواهد شد و نشان دادند درآمدهای نفتی در بلندمدت بر رفاه تأثیر منفی دارد اما در کوتاه‌مدت تأثیر مثبت دارد.

آهنگری و همکاران (۱۳۹۴) در تحقیقی به بررسی تاریخی نقش نفت در اقتصاد ایران با تأکید بر بیماری هلندی پرداختند و به این نتیجه رسیدند که وجود منابع طبیعی تأثیر دوجانبه بر اقتصاد و میزان رفاه در ایران دارد و رشد اقتصادی پایین و عدم توسعه نیز با به‌کارگیری سیاست‌های اقتصادی اصلاح‌پذیر نیست و سطح رفاه افزایش پیدا نمی‌کند.

حیدری (۱۴۰۰) در تحقیقی به تحلیل درآمدهای نفتی به‌عنوان پیشران کلیدی بر زیست‌پذیری جوامع از نگاه ذی‌نفعان محلی بهبهان (سرپرستان خانوار) پرداخته است. در این تحقیق از ۵۹ متغیر در قالب تشکیل ماتریکس و پرسشنامه استفاده شده است. نتایج نشان داد که نفت بر مقوله زیست‌پذیری شهری تأثیر آن‌چنانی ندارد اما به‌واسطه استقرار صنعت نفت در شهر بهبهان زیرساخت‌های اقتصادی، اجتماعی، کالبدی و زیست‌محیطی شهر بهبهان متحول شده و این تحولات کیفیت زندگی ساکنان را پایین آورده است و از طرفی فاصله طبقاتی به دلیل اشتغال افراد غیربومی و ساکنان شهرهای بزرگ مانند تهران باعث افزایش درآمد برای آنان شده است.

محمدی تیراندازه (۱۴۰۰) در تحقیقی به بررسی مؤلفه‌های مؤثر کلان اقتصادی بر روند حاشیه‌نشینی در بازه زمانی ۱۳۹۴-۱۳۵۷ پرداخته است. در این پژوهش سه شاخص اشتغال غیررسمی، مهاجرت و مسکن نامناسب به‌عنوان مهم‌ترین مؤلفه‌های مؤثر بر پدیده حاشیه‌نشینی مورد بررسی قرار گرفتند. یافته‌ها نشان داد علی‌رغم نوساناتی که در این مؤلفه‌ها مشاهده شده است، رشد حاشیه‌نشینی در طول دوره بررسی، در حال افزایش بوده است.

پژوهش‌های خارجی

لی، نی و راتی^۱ (۱۹۹۵) در تحقیقی تحت عنوان «شوک‌های نفتی و اقتصاد کلان» دریافتند که تأثیر نوسان‌های نفتی بر رشد اقتصادی نامتقارن است و اگر قیمت نفت باثبات باشد در کشور آمریکا افزایش قیمت نفت تأثیر بیشتری بر رشد اقتصادی نسبت به زمانی دارد که قیمت‌های نفت پر نوسان است.

^۱ Lee, Ni, and Ratti

ساراف و جیوانجی^۱ (۲۰۰۱) در تحقیقی تحت عنوان «ضرب و شتم نفرین منابع: مورد بوتسوانا» تأثیر افزایش درآمدهای حاصل از فروش منابع طبیعی بر نابرابری درآمد در کشور بوتسوانا بررسی کردند و نتایج نشان داد که در این کشور به علت وجود مدیریت و تخصیص مناسب و پایداری نرخ رشد اقتصادی نابرابری درآمدی کاهش داشته است.

کونادو و دیگران^۲ (۲۰۰۴) در مقاله‌ای تحت عنوان «قیمت‌های نفت، تورم و فعالیت‌های اقتصادی: مشاهده برای برخی کشورهای آسیایی» به این نتیجه رسیدند که در دوره زمانی ۱۹۷۵-۲۰۰۲ در بلندمدت بین قیمت‌های نفت و فعالیت‌های اقتصادی رابطه‌ای وجود ندارد و اثر درآمدهای نفتی بر فعالیت‌های اقتصادی به کوتاه‌مدت منحصر می‌شود. در کوتاه‌مدت، رابطه نامتقارنی بین تغییرات قیمت‌های نفتی و نرخ تورم برای کشورهای کره جنوبی، تایلند، ژاپن و مالزی دیده می‌شود

فرزانگان و مارکواردت^۳ (۲۰۰۹) در مقاله خود تحت عنوان «اثرات تکانه‌های قیمت نفت بر اقتصاد ایران» اثر تکانه‌های نفتی را در ایران مورد بررسی قرار داده و نشان دادند بین تکانه‌های نفتی و متغیرهای کلان اقتصادی مانند نرخ ارز واقعی، تورم، تولید ناخالص داخلی سرانه، واردات و مخارج مصرفی عمومی رابطه وجود دارد. نتایج نشان داد بین تغییرات مثبت قیمت نفت و رشد در بخش صنعت ارتباط مستقیمی وجود دارد زیرا تکانه‌های نفتی باعث افزایش نرخ ارز و همین‌طور کاهش قیمت کالاهای وارداتی و افزایش قیمت کالاهای صادراتی می‌شود. سطح محصولات واقعی که به واردات نفت خام و فلزات وابسته است کاهش یافته و در نتیجه اثرات تورمی ناشی از تکانه‌های نفتی به وجود می‌آید.

جمع‌بندی پیشینه‌های تحقیق

در تحقیقات داخلی و خارجی مطرح‌شده تأثیر درآمدهای نفتی و درآمدهای حاصل از فروش منابع بر رشد اقتصادی در کشورهای دارای منابع طبیعی بررسی شده است. بررسی رشد اقتصادی به‌عنوان فاکتوری جهت تعیین میزان رفاه اجتماعی در جامعه به حساب می‌آید. در تحقیقات یادشده مقیاس‌های اندازه‌گیری مانند شاخص ضریب جینی یا مدل رشد نوکلاسیک در بررسی تأثیر درآمدهای حاصل از منابع بر رشد اقتصادی، بسترهای

¹ Sarraf & Jivanji

² Cunado & de gracia

³ Farzanegan & Markwardt

مناسبی جهت اجرای بهتر و دقیق‌تر تحقیق فراهم می‌آورند؛ اما در پژوهش حاضر چند نکته وجود دارد که تا حدی بیانگر نوآوری آن است. اول اینکه تأثیر متغیر مستقل (درآمدهای نفتی) بر متغیر وابسته (رفاه اجتماعی) موردسنجش قرار گرفته است، دوم؛ در مرحله بعدی تأثیر رفاه اجتماعی به‌عنوان متغیر مستقل بر روی افزایش حاشیه‌نشینی در اطراف تهران به‌عنوان متغیر وابسته سنجش قرار گرفته است و از متغیر رفاه اجتماعی به‌عنوان ابزاری جامع جهت سنجش افزایش حاشیه‌نشینی در اطراف تهران به‌صورت معیار استفاده شده است.

مبانی نظری پژوهش

تعریف مفهومی حاشیه‌نشین

خانوارهایی که در اطراف شهرها، در شرایط تا مناسب از نظر سکونت، خدمات عمومی و اجتماعی، بهداشت و تسهیلات زیر بنایی شهری زندگی می‌کنند. این افراد به دلیل نداشتن سرمایه کافی برای زندگی درون شهر و همین‌طور نداشتن مهارت کافی برای اشتغال در اقتصاد شهری اکثراً به مشاغل غیر مولد مشغول هستند. در این تحقیق منظور از حاشیه‌نشینان ساکنان شهرک مرتضی گرد و قیام دشت هستند.

افراد و خانوارهایی که در محدوده اجتماعی و اقتصادی شهر ساکن هستند و جذب اقتصاد و اجتماع درون‌شهری نشده‌اند و در حاشیه فعالیت‌های زندگی مردم شهری قرار گرفته‌اند (حاج یوسفی، ۱۳۸۲: ۱۸۲) برخی از ویژگی‌های حاشیه‌نشین عبارت‌اند از:

۱: در مفهوم کلی حاشیه‌نشین به فردی گفته می‌شود که در شهر سکونت دارد، اما به دلایل مختلفی جذب نظام اقتصادی - اجتماعی شهر نشده است و نمی‌تواند از خدمات شهری استفاده کند.

۲: افرادی هستند که در مناطق حاشیه زندگی می‌کنند و از ساخت سیاست و قدرت عمومی جامعه جدا هستند و از گروه‌های پست جامعه به حساب می‌آیند. آنها از نظر اجتماعی موقعیت ضعیف داشته و در طبقه پست قرار دارند.

۳: حاشیه‌نشین‌ها دارای سرپناه‌های خلق‌الساعه هستند که در زمین‌های متعلق به دیگران و در حاشیه شهرها قرار دارند (بیات، ۱۳۹۴: ۱۴).

محلات حاشیه‌نشین

سکونت گاههایی که درون یا مجاور شهرها هستند و دارای بافت خودرو یا اغلب کالبد نابسامان بوده و از واحدهای مسکونی تشکیل شده‌اند که بدون رعایت اصول فنی ساختمان و فاقد مجوز رسمی هستند. ساکنان آنها اغلب از اقشار کم‌درآمد با سابقه شهرنشینی اندک هستند که با اشتغال غیررسمی و آسیب‌های اجتماعی از میانگین شهری که به آنها وابسته‌اند، روبه‌رو هستند (صرافی، ۱۳۸۲: ۲۶۶).

حاشیه‌نشینی

حاشیه‌نشینی نوعی شیوه زندگی است که نسبت به سه شیوه رایج زندگی یعنی روستایی، ایلیاتی و شهری متفاوت بوده و با ویژگی‌های اقتصادی و اجتماعی مخصوص به خود بافت فیزیکی خاصی را نیز به وجود می‌آورد (حسین زاده دلیر، ۱۳۷۰: ۶۴).

وابستگی به درآمدها و منابع طبیعی بر متغیرها و مکانیسم‌هایی تأثیرگذار است که این متغیرها موجب کندی رشد اقتصادی و درنهایت پایین آمدن رفاه اجتماعی در جامعه خواهند شد. مطالعات متعددی جهت طبقه‌بندی این متغیرها وجود دارد که طبقه‌بندی گلیفاسون^۱ (۲۰۰۱، ۸۵۰) مهم‌ترین آن‌هاست.

در طبقه‌بندی گلیفاسون مکانیسم‌های اصلی جهت تأثیرگذاری منابع طبیعی و درآمدهای نفتی بر کندی رشد اقتصادی و پایین آمدن رفاه اجتماعی عبارت‌اند از:

بیماری هلندی

رانت جوئی و فساد مالی

آموزش و سرمایه انسانی

پس‌انداز، سرمایه‌گذاری و سرمایه فیزیکی

پژوهش حاضر به دو قسمت کلی تقسیم شد. در قسمت اول جهت بررسی عامل تأثیرگذار درآمدهای نفتی بر میزان رفاه اجتماعی و تبیین آن از نظریه بیماری هلندی استفاده شد که به‌عنوان چارچوب نظری تحقیق در نظر گرفته شده است.

بیماری هلندی

^۱ -Gylfason

بیماری هلندی به مشکلات ناشی از پدیده ضد صنعتی شدن اشاره دارد و نخستین بار پس از کشف ذخایر گازی در کشور هلند پدید آمد. نظریه بیماری هلندی یا نفرین منابع که گسترده‌ترین تشریح نظری در مورد پدیده ضد صنعتی شدن است اولین بار توسط ریچارد اوتی^۱ در سال ۱۹۹۳ مطرح شد (اوتی، ۱۹۹۳) و نشان می‌دهد که با افزایش درآمدهای حاصل از منابع طبیعی، بخش قابل‌مبادله (کشاورزی و صنعت) ضعیف شده و نتیجه آن کاهش رشد اقتصادی است و از طرفی بخش غیرقابل‌مبادله (مسکن و خدمات) هم با افزایش تقاضا قیمت مواجه می‌شوند. به این صورت که همراه با کشف ذخایر گاز در کشور هلند از واردات انرژی در این کشور کاسته و حتی صادرات آن افزایش یافت. در نتیجه افزایش درآمدهای ارزی حاصل از صادرات گاز، ارزش خارجی پول ملی این کشور تقویت شد و به دنبال آن هزینه‌های تولید قیمت کالاهای داخلی افزایش یافت و قدرت رقابت کالاهای تولید شده در داخل نسبت به کالاهای خارجی کاهش یافت. در این حالت کالاهای قابل‌مبادله قدرت رقابت خود را از دست دادند و ضربه ناگهانی به بخش صنایع و تولیدکنندگان کالاهای صادراتی وارد شد. این بیماری به‌ویژه در دهه هفتاد به‌عنوان بیماری اقتصادی در کشورهای صادرکننده نفت مدنظر قرار گرفت (خوش‌اخلاق و موسوی، ۱۳۸۵) بر اساس این نظریه با افزایش ارزش پول داخلی که در نتیجه افزایش درآمد ناشی از فروش نفت و منابع طبیعی است قیمت کالاهای قابل‌مبادله (صادرات غیرنفتی و تولیدات جایگزین واردات) کاهش می‌یابد و در مقابل قیمت کالاهای غیرقابل‌مبادله که عمدتاً شامل مسکن و خدمات است افزایش می‌یابد؛ بنابراین بیماری هلندی اثر نامطلوب خود را بر مسکن و خدمات با افزایش قیمت و در بخش کشاورزی و صنایع با کاهش قیمت نشان می‌دهد، زیرا با تزریق دلارهای نفتی به اقتصاد، بازار مسکن با افزایش تقاضای مردم مواجه می‌شود و دولت نمی‌تواند با واردات هم از عیان شدن آثار تورمی آن جلوگیری کند.

کوردن^۲ پدیده بیماری هلندی را اثر تحرک منابع می‌داند و می‌گوید که رشد بخش نفتی در کشورهای صادرکننده نفت دو اثر عمده به دنبال دارد: نخست اینکه با اثر مستقیم باعث رکود صنعتی خواهد شد و دوم رکود در بخش صنعت نیز باعث افزایش قیمت به دلیل کاهش نیروی کار در بخش غیرقابل تجارت رخ می‌دهد و کاهش نیروی کار در این بخش

^۱ - Richard Auty

^۲ - Gordon

به دلیل جابجایی نیروی کار از بخش‌های خدماتی و صنعتی و بخش‌های غیرقابل مبادله به سوی بخش‌های نفتی اتفاق می‌افتد زیرا این بخش‌ها بازدهی بالاتری نسبت به سایر بخش‌ها دارد. در تحقیق حاضر تأثیر درآمدهای نفتی بر میزان رفاه اجتماعی موردنظر قرار گرفته است. یکی از راه‌های تأثیرگذاری درآمدهای نفتی بر سطح رفاه اجتماعی، توزیع درآمد است. از مطالعات انجام‌شده در این حوزه که تأثیر درآمدهای نفتی بر میزان رفاه اجتماعی را نشان می‌دهد می‌توان به مطالعات گلیفاسون و ژوگا^۱ (۲۰۰۳)، اوتی (۲۰۰۱) و استیونز^۲ (۲۰۰۳) اشاره کرد. با وارد شدن پترودلارها به بانک مرکزی، ذخایر ارزی بانک مرکزی و به دنبال آن پایه پولی افزایش یافته و این افزایش پایه پولی خود منجر به رشد نقدینگی و سپس تورم در کشور می‌شود. دهک‌های پایین درآمدی تأثیرپذیری بیشتری از این موضوع داشته و شکاف طبقاتی افزایش یافته در نهایت سطح رفاه اجتماعی پایین خواهد آمد.

در سال‌های بعد از انقلاب در ایران به دلیل افزایش قیمت نفت خام، درآمدهای ارزی زیادی به اقتصاد ایران تزریق شد که بیشترین میزان تزریق پترودلارها به اقتصاد ایران در سال ۱۳۵۳ بوده است. طی دوره سال‌های ۱۳۷۵ تا ۱۳۸۵ نیز به دلیل فروش نفت با قیمت خوب بخش کشاورزی و صنعت کمترین رشد تعداد شاغلین را در بخش‌های مولد داشته‌اند. از طرفی طی سال‌های ۱۳۳۸ تا ۱۳۸۵ نیز ضریب همبستگی بین ارزش افزوده بخش نفت و نسبت ارزش افزوده بخش‌های کشاورزی، معدن، صنعت و ساختمان به ترتیب برابر ۰,۵۴، -۰,۱۹، -۰,۲۱ و ۰,۰۵ + بوده است که این آمار بیان می‌کند بیماری هلندی تأثیر ناهنجار خود را بر بخش‌های کشاورزی، صنعت و معدن داشته است و از طرفی در بخش ساختمان باعث افزایش قیمت شده است، یعنی بیماری هلندی آثار نامطلوبی بر بخش‌های قابل مبادله از جمله بخش صنعت در ایران داشته است (خضری، ۱۳۸۸).

مطابق فرضیه بیماری هلندی، با افزایش درآمدهای حاصل از منابع طبیعی، ارزش پول ملی نیز افزایش می‌یابد در نتیجه قیمت کالاهای قابل مبادله شامل: تولیدات صنعتی و کشاورزی و صادرات غیرنفتی به دلیل واردات کاهش یافته و تولید داخلی آنها نیز تحت تأثیر واردات ارزان متوقف می‌شود و سرمایه‌های داخلی به سمت کالاهای غیر قابل مبادله

^۱ - Joka

^۲ -Estevens

که عمدتاً شامل مسکن و خدمات است سوق و قیمت این کالاها افزایش می‌یابد. از طرفی با کاهش درآمدهای نفتی و کاهش واردات کالاهای قابل مبادله، قیمت این کالاها افزایش یافته و چون تولید داخلی نیز متوقف می‌شود، کاهش ارزش پول ملی و تورم باعث افزایش تقاضای کالاهایی مانند زمین و مسکن شده و دوباره قیمت این کالاها افزایش پیدا می‌کند (ایگرت و لنوارد،^۱ ۲۰۰۸).

بنابراین با افزایش قیمت نفت و بروز بیماری هلندی در اقتصاد و شروع کاهش رفاه اجتماعی، پیامدهای ناهنجار ناشی از کاهش سطح رفاه نیز بروز خواهد کرد که یکی از پیامدهای اجتماعی این موضوع شکل‌گیری مناطق حاشیه‌ای در اطراف شهرها در نتیجه کاهش سطح رفاه اجتماعی است.

در ادامه، توضیحات بیشتری درباره این نظریه و تأثیرات آن بر رفاه اجتماعی ارائه می‌شود:

۱. افزایش ارزش پول ملی

با افزایش درآمدهای نفتی در یک کشور نفتی ارزش پول ملی آن کشور افزایش می‌یابد. این افزایش ارزش پول می‌تواند باعث شود که محصولات تولیدی دیگر صنایع مانند کشاورزی در بازارهای بین‌المللی با افزایش قیمت مواجه شده رقابت‌پذیری آن‌ها کاهش یابد بنابراین در این حوزه‌ها بیکاری و کاهش رفاه اجتماعی دیده می‌شود.

۲. کاهش تولید صنعتی

با توجه به کاهش رقابت‌پذیری، صنایع غیرنفتی ممکن است با کاهش تقاضا مواجه شوند و در نتیجه، تولید و اشتغال در این بخش‌ها کاهش یابد. این موضوع می‌تواند منجر به بیکاری و کاهش درآمد برای بسیاری از افراد شود.

۳. تمرکز بر صنعت نفت

افزایش درآمدهای نفتی ممکن است دولت‌ها را تشویق کند که بیشتر بر روی صنعت نفت تمرکز کنند و سرمایه‌گذاری‌های لازم در سایر بخش‌ها (مانند آموزش، بهداشت و زیرساخت) را نادیده بگیرند. این عدم تعادل می‌تواند به کاهش کیفیت زندگی و رفاه اجتماعی منجر شود. صنایع مربوط به نفت و گاز ارتباط ضعیفی با بخش‌های دیگر اقتصادی دارند، بنابراین در چنین صنایعی تعداد نیروهای متخصص بکار گرفته‌شده بسیار کم است

^۱ - Egert & Leonard

لذا درآمدهای حاصل از صنایع نفت و گاز و سایر معادن در میان عده کمی توزیع شده و این موضوع نابرابری را در جامعه افزایش خواهد داد (مرادی، ۲۰۰۹: ۹).

۴. نابسامانی‌های اقتصادی

وابستگی به درآمدهای نفتی می‌تواند باعث ایجاد نوسانات شدید در اقتصاد شود. تغییرات قیمت نفت ممکن است به بی‌ثباتی مالی و اقتصادی منجر شود که اثرات منفی بر رفاه اجتماعی دارد.

۵. نابرابری اجتماعی

درآمدهای نفتی معمولاً به‌طور عادلانه توزیع نمی‌شوند و ممکن است تنها به گروه‌های خاصی از جامعه برسند. این نابرابری می‌تواند منجر به افزایش فقر و نارضایتی اجتماعی شود.

۶. تأثیرات زیست‌محیطی

استخراج و استفاده از منابع طبیعی می‌تواند به آلودگی محیط‌زیست و تخریب منابع طبیعی منجر شود. این مسائل می‌توانند به کاهش کیفیت زندگی و رفاه اجتماعی آسیب برسانند.

دیدگاه بوم‌شناسی شهری

از آنجاکه می‌توان پدیده حاشیه‌نشینی را از وجوه مختلف بررسی کرد، دیده می‌شود دیدگاه‌ها و نظرات متفاوتی درباره علل حاشیه‌نشینی وجود دارد. یکی از آن‌ها دیدگاه بوم دیدگاه‌های شناسی شهری است. در این دیدگاه اکولوژیست‌های انسانی با توجه به بافت فیزیکی شهر به مکانیسم پیدایش حاشیه‌نشینی می‌پردازند. آن‌ها بر پایه مکتب شیکاگو شهر را محل تنازع بقا و جای‌گیری مناسب‌تر در فضای شهری دانسته و برخی از پژوهشگران نیز مسئله حاشیه‌نشینی را از دیدگاه اکولوژی شهری بررسی نموده و تلاش دارند مکانیسم پیدایش حاشیه‌نشینی را با نگاه و توجه به بافت فیزیکی شهر توضیح دهند. مارشال کلینارد نظریه‌های حاشیه‌نشینی را به دو دسته کلی تقسیم می‌کند:

۱- نظریاتی که بر پایه تغییرات در نحوه استفاده از زمین‌ها هستند.

۲- نظریاتی که بر پایه نحوه استفاده از مسکن هستند.

در دسته نخست که نظریات حول موضوع تغییر در نحوه استفاده از زمین است یکی از نظریه‌پردازان مهم هومر هویت است که کلینارد با توجه به نظریات وی درمورد نحوه استفاده از زمین نظریه قبلی خود را کامل می‌کند. بر اساس نظریه هومر هویت مناطق

صنعتی در امتداد دره خطوط راه‌آهن، کارخانه‌ها و کانال‌های آب از مرکز شهر به سمت خارج گسترش می‌یابند. از طرفی کارگران این مناطق صنعتی برای سکونت‌گاه‌های خود از این روند تبعیت می‌کنند و حتی کارخانه‌هایی در لایه‌های خارجی شهر ایجاد خواهند شد. کلینارد این نوع نحوه استفاده از زمین را خاص کشورهای صنعتی می‌داند و در مورد شهرهای کشورهای جهان سوم و ماقبل صنعتی از قول سوبرگ نویسنده کتاب شهر ماقبل صنعتی می‌گوید: «خانه‌های خارجی شهر، مربوط به ساکنین کم‌درآمد است که مشکل‌تر می‌توانند به تسهیلات مرکزی دسترسی داشته باشند».

در مورد دسته دوم کلینارد از زبان کولین بیان می‌کند: در امر حاشیه‌نشینی، صاحب‌خانه‌ها، ساکنین و اجتماع هر سه دخیل هستند، به این صورت که صاحب‌خانه‌ها به دنبال منفعت‌طلبی خود، ساکنین به علت فقر و بی‌توجهی و عدم نگهداری صحیح از خانه‌ها و اجتماع به این دلیل که به مناطق حاشیه‌نشین اجازه رشد داده و برای از بین بردن آن‌ها کوششی نمی‌کند و دولت را در جهت حفظ استانداردهای اجتماعی یاری نمی‌کند. در نظریه‌ای بنام کاربری اراضی شهری، فضا و شکل خاصی که شهر به خود می‌گیرد، نتیجه رقابت گروه‌های مختلف شهری است که در جهت احراز موقعیت تلاش می‌کنند. بازندگان در این رقابت به ظهور پدیده‌هایی مانند حاشیه‌نشینی، زاغه‌نشینی و ... دامن می‌زنند. ارنست برگس و مارشال کلینارد از طرفداران این نظریه می‌باشند و معتقدند که حاشیه‌نشینی بر اثر تقسیم فضاهای شهری به وجود می‌آید. از نظر آن‌ها گروه‌ها و طبقاتی که مسلط بر منابع کمیاب شهری هستند به موقعیت زیست در متن شهر می‌رسند و در حیات جمعی نقش سؤالی را ایفا می‌کنند. این خود باعث به حاشیه رانده شدن طبقاتی می‌شود که در وضعیت زیست در حاشیه اقتصادی به سر می‌برند و در گستره فعالیت‌های شهری نقش نیمه فعال یا غیرفعال دارند (امیدوارفر، ۱۳۹۶).

در مورد حاشیه‌نشینی اندیشمندان و متفکران زیادی با بهره‌گیری از مکاتب مختلف علمی، دیدگاه‌های گوناگونی را ارائه نموده‌اند. در این بین از رادیکالیسم، مکتب وابستگی، لیبرالیسم و نئولیبرالیسم می‌توان نام برد که از مؤثرترین مکاتب فکری در عرصه‌های اجتماعی و شهری، اقتصادی و همین‌طور مقوله مسکن به شمار می‌روند (ایراندوست، ۱۳۸۹: ۵۳).

آنچه بیشترین تأثیر را بر سیاست‌های مسکن داشته است دیدگاه لیبرالیسم اقتصادی است که آدام اسمیت بنیان‌گذار این دیدگاه است. وی معتقد بود اقتصاد آزاد رفاه عمومی را تأمین و بازار تعادل را ایجاد می‌کند و دخالت دولت در این زمینه لزومی ندارد. نظریه یا مکتب تکامل‌گرای نو سازی از جمله نظریات دنیای سرمایه‌داری و لیبرالیسم است که از مؤثرترین دیدگاه‌ها در حوزه برنامه‌ریزی شهری و سیاست‌های کالبدی در نیمه دوم قرن بیستم بوده است (ایراندوست، ۱۳۸۹: ۵۴)

جان آف ترنر^۱، مهم‌ترین نظریه‌پرداز دیدگاه لیبرالی است که به مطالعه حاشیه‌نشینی در جهان سوم مخصوصاً در آمریکای لاتین (به‌ویژه پرو) و جنوب شرق آسیا (بخصوص هنگ‌کنگ) پرداخت. به عقیده او باید زمینه‌ای را فراهم آورد تا فقیران شهری نیز مانند دیگران و سایر طبقات برای خود سرپناهی داشته باشند. ترنر نیز اعتقاد دارد که دولت باید امکانات رفاهی از قبیل آب آشامیدنی، راه، برق، امکانات آموزشی و سایر امکانات بهداشتی را در اختیار تهیدستان قرار دهد. ترنر اعتقاد دارد سازندگان سکونت‌گاه‌های غیرمتعارف و آلونک‌ها زمانی که معماری و برنامه‌ریزی شهری به فکر آنان نیست دست به معماری و ساخت چنین سکونت‌گاه‌هایی می‌کنند (پیران، ۱۳۸۱: ۹۶).

در این دیدگاه لازم است راه‌حل‌ها و راهکارهای ویژه‌ای برای بهبود شرایط زندگی در مناطق حاشیه‌نشین ارائه شود. اقتصاددانان ریشه این پدیده را رشد نامتعادل اقتصادی بین مناطق مختلف می‌دانند. طرفداران این نظریه راه‌حل‌هایی مبتنی بر ساماندهی و توانمندسازی مناطق حاشیه‌ای را مدنظر قرار می‌دهند (خالو باقری و قریشی، ۱۳۹۰)

در دیدگاه لیبرالی پدیده حاشیه‌نشینی به‌عنوان یک پدیده موردقبول و پذیرش است و در این دیدگاه به دنبال راهکارهایی برای بهبود شرایط زندگی حاشیه‌نشینان هستند و با اعطای زمین، دادن وام و کنترل دولتی خواهان بهبود شرایط هستند (باوی، ۱۳۸۴: ۲۰-۲۲)

روش پژوهش

در تحقیق حاضر از شیوه پژوهش کمی (آماري) استفاده شده است. با توجه به اینکه در مرحله اول تحقیق، تأثیر درآمدهای نفتی بر میزان رفاه اجتماعی و در مرحله دوم تأثیر این متغیرها بر میزان حاشیه‌نشینی شدن بررسی شده است، لذا از داده‌های آماری با رویکرد سنجش همبستگی و رگرسیون بین متغیرهای تحقیق استفاده شده و سپس به آزمون

^۱ -Johan F. Turner

فرضیات با نرم‌افزار SPSS پرداخته شده است. برای اندازه‌گیری میزان رفاه اجتماعی نیز از تقسیم متوسط درآمد سالانه بر متوسط هزینه همان سال استفاده شده است.

الف: با در نظر گرفتن «شیوه گردآوری داده‌ها» پژوهش حاضر، اسنادی و آماری است و داده‌های موردنظر تحقیق از مراکز آماری مهم دولتی مانند سازمان برنامه و بودجه، مرکز آمار و بانک مرکزی جمهوری اسلامی گردآوری شده‌اند.

ب: از نظر «معیار زمان» تحقیق حاضر، از نوع تحقیقات مقطعی نیز است زیرا تأثیر درآمدهای نفتی بر متغیر رفاه اجتماعی در بازه مهر و موم‌های ۱۳۸۰ تا ۱۴۰۰ بررسی شده و در نهایت تأثیر این متغیر بر میزان تغییر جمعیت یا میزان افزایش یا کاهش حاشیه‌نشین شدن در اطراف تهران بررسی شده است؛ بنابراین مسئله موردنظر محقق در یک بازه زمانی بیست ساله مورد واکاوی قرار گرفته شده است.

ج: از حیث «معیار کاربرد» پژوهش حاضر، یک نوع تحقیق کاربردی است زیرا در این تحقیق، محقق به دنبال علت افزایش میزان حاشیه‌نشینی در اطراف کلان‌شهر تهران بوده و آن را مورد مطالعه و واکاوی قرار داده است.

واحد تحلیل

واحد تحلیل به واحدی می‌گویند که اطلاعات از آن گردآوری شده و خصوصیات آن توصیف می‌شوند. در تحقیق حاضر نیز واحد تحلیل سال‌های آماری هستند.

موقعیت جغرافیایی مناطق حاشیه‌ای

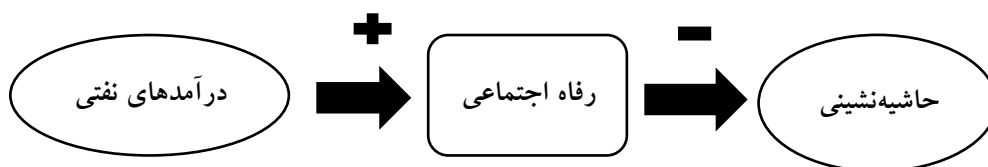
موقعیت جغرافیایی مناطق مرتضی گرد و قیام دشت جهت ارزیابی افزایش جمعیت به ترتیب زیر است.

مرتضی گرد منطقه‌ای در جنوب غربی تهران از توابع بخش آفتاب و در نزدیکی منطقه ۱۹ تهران است. این منطقه در مجاورت بزرگراه آزادگان غرب به شرق قرار دارد. این منطقه که دارای دهیاری است از خدمات شهری و شهرداری محروم است. این روستا در دهستان خلایر قرار داشته و تا سه دهه قبل دارای زمین‌های کشاورزی زیادی بوده که در طی سه دهه گذشته این زمین‌ها به شکل غیرقانونی تفکیک و به فروش رفته است، بنابراین ساخت‌وسازهای نامطلوبی در این منطقه به شکل غیرقانونی شکل گرفته است.

قیام دشت نیز منطقه‌ای از توابع بخش خاوران شهرستان ری در استان تهران است. این منطقه در ۱۵ کیلومتری جاده خاوران قرار دارد و به پایتخت نزدیک است و ابتدا زمین

خاکی بوده است که در زمان بنی‌صدر به دلیل اهدای وام به مردم به‌مرور در این منطقه ساخت و ساخت شکل گرفت و در اسناد اولیه مربوط به املاک، نام این منطقه شاهین دشت بوده اما بعد از انقلاب به نام قیام دشت شناخته می‌شود. نکته مهم این است که جمعیت این منطقه طی سه دهه اخیر رشد چشمگیری داشته و مهاجران زیادی از نقاط مختلف کشور علی‌الخصوص تهران به این منطقه وارد شده و تقریباً ساخت‌وسازهای غیرقانونی در آن رواج داشته است.

مدل نظری تحقیق



تجزیه و تحلیل یافته‌ها

نتایج توصیفی

در جدول (۱) درآمدهای نفتی در طی مهر و موم‌های ۱۳۸۱ تا ۱۴۰۰ آورده شده است. بر اساس نتایج به‌دست‌آمده، بیشترین درآمد نفتی مربوط به سال ۱۳۹۶ (۱۰۰/۱۹۰۴۰۰۰/۰۰) است. در تحقیق حاضر، میزان فروش نفت خام توسط دولت در سال‌های مذکور در نظر گرفته شده است.

جدول (۱) میزان درآمد نفتی و وضعیت رفاه و جمعیت در طی مهر و موم‌های ۱۳۸۰ تا ۱۴۰۰

سال	درآمد نفتی	وضعیت رفاه	جمعیت قیام دشت	جمعیت مرتضی گرد
۱۳۸۰	۲۲۵۱۲۰۰۰	۰/۸۰		
۱۳۸۱	۹۸۵۶۰۰۰۰	۰/۶۰	۳۲۳۰۴	۴۴۸۰
۱۳۸۲	۱۲۲۷۳۲۱۰۰	۰/۹۰	۳۳۱۲۹	۵۴۰۴
۱۳۸۳	۱۳۴۴۳۵۰۰۰	۰/۹۳	۳۴۲۲۴	۶۳۳۵
۱۳۸۴	۲۶۶۵۳۸۶۱	۰/۹۹	۳۵۳۱۹	۷۳۰۰
۱۳۸۵	۱۲۹۴۲۵۹۵۰	۰/۹۹	۳۶۴۴۶	۸۲۱۷
۱۳۸۶	۱۳۴۶۳۰۳۰۰	۰/۹۷	۳۶۹۱۲	۹۶۷۱
۱۳۸۷	۱۴۶۸۶۵۶۰۰	۰/۹۷	۳۷۳۵۸	۱۱۱۲۵

۱۲۵۷۹	۳۷۸۰۴	۰/۹۷	۱۵۶۱۸۷۵۰۰	۱۳۸۸
۱۴۰۳۳	۳۸۲۵۰	۰/۹۵	۴۳۴۸۵۵۰۰	۱۳۸۹
۱۵۵۰۶	۳۸۷۹۰	۰/۹۵	۵۵۶۵۰۰۰۰	۱۳۹۰
۱۵۵۹۶	۴۱۵۰۵	۰/۹۴	۶۶۵۸۰۶۴۰۰	۱۳۹۱
۱۵۶۸۶	۴۴۲۲۰	۰/۹۴	۶۱۴۳۴۶۵۰۵	۱۳۹۲
۱۵۷۷۶	۴۴۹۳۵	۰/۹۳	۷۵۲۹۰۲۵۳۵	۱۳۹۳
۱۵۸۶۶	۴۹۶۵۰	۰/۹۷	۵۲۲۳۸۶۸۱۷	۱۳۹۴
۲۰۰۰۴	۵۲۳۹۶	۰/۹۷	۷۲۸۷۷۶۰۰۰	۱۳۹۵
۲۳۷۰۴	۵۵۰۱۶	۱/۰۲	۱۰۰۱۹۰۴۰۰۰	۱۳۹۶
۲۷۴۰۴	۵۷۶۳۶	-۱/۵۰	۹۵۹۳۱۴۴۰۳	۱۳۹۷
۳۱۱۰۴	۶۰۲۵۶	-۱/۳۰	۱۳۷۰۳۶۲۰۰۰	۱۳۹۸
۳۴۸۰۴	۶۲۸۷۶	-۱/۶۰	۵۴۵۹۸۶۰۰۰	۱۳۹۹
۳۸۴۹۳	۶۵۵۵۰	-۱/۰۵	۱۵۱۱۹۴۰۰۰	۱۴۰۰

در همین جدول وضعیت رفاه در طی سال‌های ۱۳۸۰ تا ۱۴۰۰ آورده شده است. بیشترین میزان رفاه مربوط به سال ۱۳۹۶ (۱/۰۲) و کمترین میزان مربوط به سال ۱۳۹۹ (-۱/۶۰) است. در تحقیق حاضر، برای محاسبه وضعیت رفاه، از آمار منتشر شده توسط سازمان برنامه و بودجه و همین‌طور مرکز آمار که به‌صورت کتاب‌هایی تحت عنوان شاخص عدالت اجتماعی منتشر شده است و اطلاعاتی در زمینه هزینه و متوسط درآمد سالانه مردم ارائه می‌دهد استفاده شده است. برای به دست آوردن عدد رفاه در جدول زیر متوسط درآمد سالانه در هر سال بر عدد هزینه همان سال تقسیم شده است.

وضعیت جمعیت در طی سال‌های ۱۳۸۱ تا ۱۴۰۰ در قیام دشت و مرتضی گرد آورده شده است. بیشترین میزان و پایین‌ترین میزان جمعیت مربوط به مهر و موم‌های ۱۴۰۰ و ۱۳۸۱ به ترتیب در هردو منطقه است. نتایج نشان می‌دهد که در طی مهر و موم‌ها به‌صورت صعودی رشد جمعیت افزایش یافته است. در تحقیق حاضر، آمار جمعیتی این مناطق از مرکز آمار گرفته شده است.

قبل از بررسی داده‌ها نیاز است که وضعیت داده‌ها از لحاظ نرمالیت بررسی شود. در این مطالعه برای بررسی نرمالیت از آزمون کولموگروف-اسمیرنوف استفاده شد و وضعیت

داده‌ها در جدول (۲) گزارش شده است. چون ارزش معنی‌داری بزرگ‌تر از ۰/۰۵ است، داده‌ها نرمال هستند و از آماره‌های پارامتری می‌توان استفاده کرد.

جدول (۲) وضعیت فرمالیته داده‌ها

متغیرها	آماره	معنی‌داری	نتیجه
درآمد نفتی	۰/۰۳۲	۰/۵۷۱	نرمال
رفاه اجتماعی	۰/۰۵۱	۰/۴۹۹	نرمال
قیام دشت	۰/۰۵۹	۰/۴۸۱	نرمال
مرتضی گرد	۰/۱۱۵	۰/۱۰۸	نرمال

برای همبستگی بین پارامترها از آزمون پیرسون استفاده شد جدول (۳) نتایج ارتباط معنی‌داری بین تمامی متغیرها نشان داد و تنها بین درآمدهای نفتی و کشاورزی ارتباط معنی‌داری وجود نداشت.

جدول (۳) وضعیت همبستگی بین متغیرها

متغیرها	۲	۳	۴
درآمد نفتی (۱)	-۰/۴۶۸ (۰/۰۳۲)		
رفاه اجتماعی (۲)		-۰/۶۹۸ (۰/۲۲۰)	-۰/۷۵۹ (۰/۲۲۰)
قیام دشت (۳)		-	۰/۹۷۲ (۰/۰۰)
مرتضی گرد (۴)			-

نتایج استنباطی:

بررسی فرضیات تحقیق

فرضیه ۱: به نظر می‌رسد درآمدهای نفتی بر میزان رفاه اجتماعی تأثیر دارد.

نتایج در جدول (۴) اثرات درآمدهای نفتی بر روی بخش مسکن را نشان می‌دهد. نتایج نشان داد که درآمد نفتی بر روی بخش رفاه تأثیر قابل دارند و این اثرات معنی‌دار و منفی بود ($-۰/۴۶۸$ ؛ پتا)؛ بنابراین، درآمد نفتی بر روی بخش رفاه تأثیر معنی‌داری و منفی دارد.

تأیید این فرضیه بیانگر این است که درآمدهای نفتی در طول سال‌های مذکور بر بخش رفاه تأثیر معناداری داشته و با زیادشدن درآمدهای نفتی میزان رفاه کاهش داشته است.

جدول (۴) اثرات درآمدهای نفتی بر روی بخش رفاه و حاشیه‌نشینی

مدل	بتای غیراستاندارد	ضرایب خطای استاندارد	ضرایب استاندارد	معنی‌داری
ثابت	۰/۹۷۰	۰/۲۷۷		۰/۰۰۲
درآمد نفتی	-۱/۱۲	۰/۰۰۰		۰/۰۳۲
حاشیه‌نشینی قیام دشت	۳۲۱۷۴/۶۵	۱۶۳۰/۷۱۲		۰/۰۰۰
رفاه	-۷۰/۵۶	۵۱۸/۸۱		۰/۰۴۸
حاشیه‌نشینی مرتضی گرد	۲۲۴۶/۳۹	۲۲۸۳/۱۴		۰/۳۴۶
رفاه	-۱۷۴۵/۲۵	۷۲۶/۳۸		۰/۰۳۵

فرضیه ۲: به نظر می‌رسد رفاه اجتماعی بر میزان حاشیه‌نشینی تأثیر دارد. بر اساس نتایج به دست آمده میزان رفاه تأثیر منفی بر روی حاشیه‌نشینی قیام دشت و مرتضی گرد را نشان داد.

بحث و نتیجه‌گیری

با توجه به یافته‌های تحقیق و نتیجه آزمون فرضیات دیده می‌شود درآمدهای نفتی طی مهر و موم‌های ۱۳۸۰ تا ۱۴۰۰ بر میزان رفاه تأثیر منفی داشته است و ضریب بتا برابر منفی ۰,۴۶۸ است؛ یعنی با افزایش درآمدهای نفتی میزان رفاه کاهش داشته است. از طرفی رفاه نیز تأثیر منفی و معکوس بر میزان حاشیه‌نشینی در دو منطقه مرتضی گرد و قیام دشت داشته است یعنی با کاهش رفاه میزان جمعیت در این دو منطقه افزایش داشته است. ضریب تأثیر رفاه بر جمعیت مرتضی گرد برابر منفی ۰,۱۳۶ و ضریب تأثیر رفاه بر جمعیت قیام دشت برابر منفی ۰,۲۰۵ است.

از آنجایی که در تحقیق حاضر، میزان رفاه اجتماعی از طریق فرمول تقسیم متوسط درآمد سالانه افراد بر متوسط هزینه‌های افراد محاسبه شده است، لذا می‌بایست تأثیر درآمدهای نفتی را بر این دو متغیر نیز در نظر گرفت. تأثیر درآمدهای نفتی بر متوسط درآمد سالانه

افراد به عوامل متعددی بستگی دارد. افزایش درآمدهای نفتی تنها باعث افزایش درآمدهای سالانه نخواهد شد بلکه در این میان ممکن است تأثیرات حاشیه‌ای بر متغیرهای دیگری نیز داشته باشد که در نهایت میزان رفاه را تحت تأثیر قرار می‌دهد. یکی از این متغیرها میزان تورم سالانه است. افزایش درآمدهای نفتی می‌تواند باعث افزایش تورم شود زیرا افزایش درآمد ملی باعث افزایش تقاضا و هزینه‌ها می‌شود. حال اگر نسبت افزایش تورم به متوسط درآمدهای سالانه بیشتر باشد، تأثیر تورم بر میزان رفاه بیشتر خواهد شد. از طرفی اگر افزایش درآمدهای نفتی منجر به افزایش قیمت مواد اولیه و هزینه‌های تولید شود، هزینه‌های زندگی نیز افزایش خواهد داشت و در فرمول مذکور که متوسط درآمدهای سالانه را بر متوسط هزینه‌های افراد تقسیم می‌کنیم، مخرج کسر افزایش داشته و میزان رفاه کاهش می‌یابد. بنابراین تأثیر کلی درآمدهای نفتی بر متوسط درآمد سالانه و هزینه‌های افراد به عوامل متعددی مانند افزایش تورم، تغییر در نرخ ارز، تأثیر بر قیمت مسکن و تأثیر بر قیمت خدمات و محصولات اولیه و... دارد. در ذیل به بررسی نکاتی درمورد افزایش متغیرهای مذکور در نتیجه افزایش درآمدهای نفتی پرداخته می‌شود:

علت افزایش تورم با افزایش درآمدهای نفتی در اقتصاد ایران این است که دولت از سه طریق بودجه را تأمین می‌کند که شامل درآمدهای نفت و گاز، درآمدهای حاصل از دارایی‌های سرمایه‌ای و درآمدهای مالیاتی است. در این میان دولت درآمدهای نفتی را با فروش نفت به صورت دلار دریافت نموده و این درآمدها را به صورت ریالی در بودجه کشور خرج می‌کند. دولت می‌بایست این حجم عظیم از پترودولارها را به بانک مرکزی بفروشد و این موضوع باعث افزایش دارایی‌های خارجی بانک مرکزی شده و در نتیجه پایه پولی و نقدینگی افزایش می‌یابد. این افزایش پایه پولی باعث افزایش سطح عمومی قیمت‌ها شده در نهایت به صورت کلی تورم بالا رفته و فشارهای اقتصادی نیز افزایش داشته و میزان سطح عمومی رفاه اجتماعی نیز کاهش می‌یابد.

پس از اولین شوک نفتی در سال ۱۹۷۳، اقتصاد ایران شدیداً به درآمدهای نفتی و گازی وابستگی پیدا کرد. همچنین، بر اساس شواهد، اقتصاد ایران طی این مهروموم‌ها تولید ناخالص داخلی پایین و نابرابری درآمدی را تجربه است. از این رو شواهد موجود در اقتصاد ایران این فرضیه را ثابت می‌کند که منابع طبیعی و درآمدهای ناشی از آن‌ها به جای آنکه سطح رفاه را افزایش و نابرابری را کاهش دهد، موجب کاهش رفاه و افزایش نابرابری شده است (آهنگری و همکاران، ۱۳۹۴) بنابراین دیده شده درآمدهای نفتی در اقتصاد ایران نه تنها

باعث ایجاد ثروت و کاهش فقر نشده است بلکه باعث افزایش نابرابری و افزایش تورم و کاهش سطح رفاه عمومی نیز شده است.

در پژوهش حاضر دیده می‌شود طبق نظریه بیماری هلندی با افزایش درآمدهای نفتی میزان رفاه اجتماعی کاهش یافته است و در تحقیقات آهنگری (۱۳۹۴)، پیلوار (۱۳۹۱)، جرجرزاده و اقبالی (۱۳۸۴)، حیدری (۱۴۰۰) و تیرانداز (۱۴۰۰) نیز این نتیجه مشاهده شده است. همین‌طور طبق نظر هومر هویت در دیدگاه بوم‌شناسی که اعتقاد دارد مناطق صنعتی که در امتداد کارخانه‌ها و راه‌آهن و... باشند مستعد شکل‌گیری مناطق محروم هستند دیده می‌شود در منطقه موردتحقیق یعنی مرتضی‌گرد به دلیل وجود کارگاه‌های چوب و مبل و وجود کارگران این مراکز در دو دهه گذشته آنان اقدام به سکونت دائم در این منطقه نموده و اگر به‌عنوان کارگران فصلی از شهرهای دیگر در این منطقه شاغل بودند اقدام به مهاجرت دائم به همراه خانواده به این منطقه نموده و ساکن شدند، گویی خود این مهاجرت یکی از نقطه‌های آغازین شکل‌گیری این منطقه حاشیه‌ای بوده است. طبق نظریه کاربری اراضی شهری نیز افراد صاحب زمین‌های کشاورزی در مناطق حاشیه‌ای با فروش زمین‌ها به افراد کم‌درآمد و کسانی که در رقابت احراز موقعیت در فضای شهری بازنده بوده‌اند، به حاشیه‌نشینی دامن زده‌اند؛ بنابراین برای بهبود شرایط زیستی در مناطق حاشیه‌ای و با توجه به پیامدهای منفی شکل‌گیری مناطق حاشیه‌نشین پیشنهاد‌های زیر توسط پژوهشگر ارائه می‌گردد:

پیشنهاد‌های اجرایی

- تشویق سازمان‌ها در جهت تدوین الگویی جامع در زمینه کنترل قیمت مسکن در کلان‌شهری مانند تهران جهت کاهش خروج افراد از شهر و ساکن شدن آن‌ها در حاشیه ضروری است زیرا با بالا رفتن اجاره‌بها مسکن، هزینه‌های زندگی افزایش یافته و سطح رفاه خانوارها کاهش می‌یابد.
- با توجه با تأثیرگذاری سطح رفاه اجتماعی افراد جامعه بر شکل‌گیری حاشیه‌نشینی، تدوین سیاست از سوی نهادهای اقتصادی مانند ارائه وام بلندمدت و بدون بهره به دو دهک پایین اقتصادی در جامعه جهت افزایش سطح عمومی رفاه جامعه و حرکت به سمت استراتژی‌هایی که از مهاجرت افراد به‌سوی حاشیه شهرها جلوگیری می‌کند.
- سیاست‌های حمایتی مسکن جهت ایجاد برنامه‌های حمایتی برای قشر کم‌درآمد تا به مسکن مناسب دسترسی داشته باشند.

- تقویت زیرساخت‌های مناطق حاشیه‌ای جهت بهبود شرایط زندگی حاشیه‌نشینان لازم و ضروری است که جهت محقق شدن این امر می‌بایست سرمایه‌گذاری‌هایی در زیرساخت‌ها انجام شود که این نیز منوط به تصمیم‌گیری‌های وزارت مسکن و شهرسازی و با همکاری شهرداری است.
- جهت کاهش وابستگی به درآمدهای نفتی و توسعه سایر بخش‌ها می‌بایستی بخش‌هایی مانند صنعت و خدمات و کشاورزی توسعه داشته باشند. از سویی دیگر اگر بخشی از مخارج اجتماعی به صورت مستقیم به طبقات فقیر انتقال یابد و درآمد این قشر افزایش یابد این امر منجر به بازتولید درآمد از قشر ثروتمند به افراد فقیر خواهد شد و در نتیجه تا حدی شکاف طبقاتی کمتر و میزان رفاه اجتماعی افزایش خواهد یافت.

پیشنهادهای پژوهشی

- انجام پژوهش‌های متعدد که اطلاعات دقیق و مفیدی از وضعیت حاشیه‌نشینی و علل شکل‌گیری این پدیده ارائه دهند تا به سیاست‌گذاران کمک کنند که سیاست‌های مناسبی جهت کاهش پدیده حاشیه‌نشینی و بهبود وضعیت ساکنان این مناطق تدوین و اجرا نمایند.
- تحقیقاتی جهت شناخت و نقاط ضعف در زیرساخت‌ها و خدمات شهری مانند بهداشت، آموزش، حمل‌ونقل و مسکن انجام شود تا در جهت ساماندهی در این امور تلاش شود.
- تحقیقات در حوزه حاشیه‌نشینی باید نمودی از نابرابری‌های اجتماعی و اقتصادی را جهت تحلیل نابرابری‌ها ارائه نماید تا به تحقق عدالت اجتماعی و بهبود سطح رفاه اجتماعی یاری رسانند.

منابع

- ابراهیمی، محسن و سالاریان، محمد. (۱۳۸۸). بررسی پدیده نفرین منابع طبیعی در کشورهای صادرکننده نفت و تأثیر مضر در اوپک بر رشد اقتصادی کشورهای عضو آن. *اقتصاد مقداری*، ۶ (۱) ۷۷-۱۰۰.
- امیدوارفر، سجاد. (۱۳۹۶). نقش مدیریت شهری در مناطق حاشیه‌نشین با تأکید بر ایران. *نشریه شباک*، سال سوم، ۵ (۲۴)، مرداد ۱۳۹۶.

آهنگری، عبدالمجید؛ رضایی، محمدرضا و جوکار، یلدا. (۱۳۹۴). بررسی تاریخی نقش نفت در اقتصاد ایران با تأکید بر بیماری هلندی. چهارمین کنفرانس الگوی اسلامی-ایرانی پیشرفت. تهران: ۳۱-۳۰ اردیبهشت.

ایراندوست، کیومرث. (۱۳۸۹). سکونتگاه‌های غیررسمی و اسطوره حاشیه‌نشینی. تهران: شرکت پردازش و برنامه‌ریزی شهری.

بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران. (۱۳۸۵). گزارش اقتصادی و ترازنامه‌های سال‌های ۱۳۳۸ تا ۱۳۸۵. تهران: انتشارات بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران.

باوی، جواد. (۱۳۸۴). ساماندهی مناطق حاشیه‌نشین شهر اهواز با تأکید بر منطقه ملاشیه. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد نجف‌آباد.

بیات، بهرام. (۱۳۹۴). بررسی پدیده حاشیه‌نشینی در استان تهران، فصلنامه تخصصی- کاربردی مطالعات امنیت اجتماعی، تهران: معاونت اجتماعی نیروی انتظامی. شماره اول.

پیران، پرویز. (۱۳۸۱). باز هم در باب اسکان غیررسمی، مورد: شیرآباد زاهدان. هفت شهر، سال سوم، شماره ۹.

پیلوار، محمد. رفیعی، حسن و عباسیان، عزت‌الله. (۱۳۹۱). رابطه وضعیت رفاه اجتماعی ایران با درآمدهای نفتی طی سال‌های ۱۳۴۷ تا ۱۳۸۷. رفاه اجتماعی، ۱۳ (۴۹) ۸۷-۸۱. جرجزاده، علیرضا و اقبالی، علیرضا. (۱۳۸۴). بررسی اثر درآمدهای نفتی بر توزیع درآمد در ایران. رفاه اجتماعی، ۵ (۱۷) ۲۰۷-۲۰۱.

حاج یوسفی، علی. (۱۳۸۲). حاشیه‌نشینی شهری و فرآیند تحول آن، قبل از انقلاب اسلامی، فصلنامه هفت شهر، سال سوم، شماره ۴۲.

حسین‌زاده دلیر، کریم. (۱۳۷۰). حاشیه‌نشینی در جستجوی معنی و مفهوم، اطلاعات سیاسی - اقتصادی، شماره ۴۵-۶۴.

حیدری، محمدتقی؛ رشیدی، اصغر؛ حصاری، ابراهیم؛ رنجبرنیا، بهزاد؛ رحمانی، مریم. (۱۴۰۰). تحلیلی بر پیشران نفتی و تأثیرات آن بر کیفیت زیست‌پذیری جوامع محلی. پژوهش‌های جغرافیای برنامه‌ریزی شهری، ۸ (۴). زمستان ۱۳۹۹، ۷۶۰-۷۳۷.

خالوقربان، مهدیه و قریشی، سیدمحمدشایان. (۱۳۹۰). نابرابری اقتصادی و شکل‌گیری و رشد سکونتگاه‌های غیررسمی در شهرها با تأکید بر مورد ایران. اولین کنفرانس شهری ایران. مشهد: دانشگاه فردوسی مشهد.

خضری، محمد. (۱۳۸۸). بیماری هلندی و ضرورت استفاده درست از درآمدهای نفتی، فصلنامه مطالعات راهبردی، سال دوازدهم، شماره چهارم، صفحه ۸۲-۶۵.

خوش اخلاق، رحمان و موسوی محسنی، رضا. (۱۳۸۵). شوک‌های نفتی و پدیده بیماری هلندی در اقتصاد ایران. مقاله‌ای برگرفته از پایان‌نامه دکتری، دانشکده اقتصاد، دانشگاه اصفهان.

صرافی، مظفر. (۱۳۸۲). بازنگری ویژگی‌های اسکان خودانگیخته در ایران، در جستجوی راهکارهای توانمندسازی، **مجموعه مقالات حاشیه‌نشینی و اسکان غیررسمی**، ج ۱، تهران دانشگاه علوم بهزیستی و توان‌بخشی.

کمیحانی، اکبر؛ سبحانیان، سیدمحمد هادی و بیات، سعید. (۱۳۹۰). اثرات نامتقارن رشد درآمدهای نفتی بر تورم در ایران با استفاده از روش VECM، **پژوهش‌نامه اقتصادی**، ۱۲ (۴۵) ۲۲۶-۲۰۱.

محمدی تیراندازه، مینو. (۱۴۰۰). بررسی مؤلفه‌های ساکن کلان اقتصادی بر روند حاشیه بعد از انقلاب اسلامی، **فصلنامه جغرافیا و آمایش شهری-منطقه‌ای**، ۱۰ (۳۶).

نقدی، اسدالله و زارع، صادق. (۱۳۹۱). حاشیه‌نشینی به مثابه آپاندیست شهری (مورد مطالعه: جعفرآباد کرمانشاه). **فصلنامه علمی-تخصصی برنامه‌ریزی منطقه‌ای**، ۲ (۵).

- Abbasian, E., Moftakhari, A., & Nademi, Y. (2017). The nonlinear effects of oil revenues on social welfare in Iran. *Social Welfare Quarterly*, 17(64), 39-72. (in Persian).
- Auty, R. (2001). *Resource Abundance and Economic Development* (ed.). Oxford: Oxford University Press.
- Cunado, J., & de Gracia, F. (2004). Oil prices, economic activity, and inflation: Evidence for some Asian countries. *The Quarterly Review of Economics and Finance*, 45(1), 65-83.
- Egert, Balazs and Carol S. Leonard, (2008). "Dutch disease scare in Kazakhstan: is it real?". *Open economic review*, Volume 19, Number 2/April, 2008.
- Farzanegan, M. R., & Markwardt, G. (2009). The effect of oil prices shocks on the Iranian economy. *Energy Economics*, 31, 134-151.
- Gylfason, T., & Zoega, G. (2003). Inequality and Growth: Do Natural Resources Matter? In Eicher, T., & Turnovsky, S. (Eds.), *Growth and Inequality: Theory and Policy Implications*. MIT Press, Cambridge, Massachusetts.
- Lee, K., Ni, S., & Ratti, R. (1995). Oil shocks and the macroeconomy: Variability. *The Energy Journal*, 16(4), 39-56.
- Mehrara, M. (2008). The asymmetric relationship between oil revenues and economic activities: The case of oil-exporting countries. *Energy Policy*, 36(3), 1164-1168.
- Moradi, M. A. (2009). Oil resource abundance, economic growth, and income distribution in Iran. www.ecomod.org, Paper No. 990.
- Sarrafi, M., & Jivanji, M. (2001). Beating the Resources Curse: The case of Botswana. *Environmental Economics Series*, Paper No. 83.
- Stevens, P. (2003). Resource impact - Curse or blessing?

Xiao, H., Ling, X., Chen, C., & Xie, F. (2022). The impact of multidimensional poverty of rural households' health: From a perspective of social capital and family care. *International Journal of Environmental Research and Public Health*, 19, 14590.

COPYRIGHTS

© 2023 by the authors. Licensee Advances in Sociological Urban Studies Journal. This article is an open access article distributed under the terms and conditions of the Creative Commons Attribution 4.0 International (CC BY 4.0) (<http://creativecommons.org/licenses/by/4.0/>).

